

نکاتی عمومی در باره بند و بندچینی^۱

بند چیست؟

بند (فقره، به عربی) مجموعه‌ای از جملات مرتبط است که با یک موضوع واحد سر و کار دارد. این چند جمله، یک مفهوم اصلی را شرح می‌دهند.

اهمیت آموزش بندچینی

یادگیری نگارش بند صحیح به شما کمک خواهد کرد تا در مراحل تهیه پیش نویس و بازخوانی در یک مسیر بمانید. بندچینی خوب، به خواننده شما نیز عمیقاً کمک می‌کند تا قطعه‌ای از نوشتار را پیگیری کند. ممکن است شما افکار جالبی داشته باشید، اما اگر این افکار به شکل سازمان یافته ارائه نشوند، خوانندگان خود را از دست خواهید داد و در نیل به اهداف نویسندگی شکست خواهید خورد.

به طور معمول این مفهوم اصلی در جمله‌ی موضوع بیان می‌شود که اغلب نخستین جمله‌ی پاراگراف است و اندکی با تورفتگی نوشته می‌شود. دیگر جمله‌های پاراگراف، باید به شرح و گسترش جمله‌ی موضوع کمک کنند و به آن‌ها جمله‌های پشتیبان می‌گویند. برخی پاراگراف‌ها، یک جمله‌ی نتیجه‌گیری هم دارند که نظر اصلی پاراگراف را خلاصه می‌کند یا نکته‌ی مهمی را درباره‌ی آن یادآور می‌شود. این جمله به طور معمول در پایان پاراگراف می‌آید. نویسنده در نوشتن همه‌ی این جمله‌ها باید مفهوم واحدی را با نظم منطقی بیان کند و شرح دهد.

برای مثال، به پاراگراف زیر دقت کنید :

زبان علمی بسیار دقیق و روشن است و بیان نادرست واژه‌های علمی می‌تواند به سردرگمی دانش آموزان منجر شود. برای مثال، فرضیه در بیش تر کلاس‌های علوم به صورت حدس علمی تعریف می‌شود، حال آن که پیش‌گویی نیز نوعی حدس علمی است. پیش‌گویی، حدس علمی درباره‌ی نتیجه‌ی یک آزمایش خاص است و فرضیه، حدس علمی درباره‌ی علت رخ دادن آن نتیجه است. ما آموزگاران باید این مفهوم‌ها را درست به دانش آموزان منتقل کنیم تا بتوانند پژوهش‌های خود را به صورت علمی تری انجام دهند.

توضیح: موضوع این پاراگراف، مشکل بیان نادرست واژه های علمی در کلاس درس است که در جمله ی نخست پاراگراف (جمله ی موضوع) مطرح شده است. سپس این موضوع در دو جمله (جمله های پشتیبان) و با آوردن مثال، شرح داده شده است. در پایان نیز پاراگراف با جمله ی نتیجه گیری به پایان رسیده که اهمیت به کارگیری درست این واژه ها را یادآوری می کند.

■ نمونه ی دیگر :

در جامعه ی صنعتی و بسیار پیچیده ی امروزی بیشتر چیزهایی که در زندگی با آنها سر و کار داریم ساخته ی دست انسان است. ما با انواع ماشین ها کار می کنیم و با دو چرخه، ماشین سواری، اتوبوس یا قطار رفت و آمد می کنیم. اوقات فراغت خود را با وسایلی مانند رادیو، تلویزیون، ضبط صوت و مانند آنها می گذرانیم که همه به دست انسان ساخته شده اند. حتی غذایی که می خوریم طی فرآیندهایی تهیه می شود که کم و بیش وسایل ماشینی در آن ها دخالت دارند. می دانیم که همه ی این چیزهای به نسبت تازه، که هر یک به نحوی در زندگی اجتماعی ما دخالت دارند، دستاورد علم و فناوری ماست.

توضیح: موضوع این پاراگراف، ساخته های دست بشر است که نمونه های آن در جمله های پشتیبان آمده است. نویسنده در جمله ی نتیجه گیری همین موضوع را به شیوه ی دیگری بازگو کرده و یادآور شده است که چیزهای نام برده شده، همگی دستاورد علم و فناوری آدمی است.

عناصر یک بند

برای اینکه یک بند، تا آنجا که ممکن است مؤثر واقع شود، باید هر یک از موارد زیر را دارا باشد: وحدت، انسجام، یک جمله موضوعی، توسعه مطلوب. چنان که خواهید دید، تمام این ویژگیها با هم همپوشانی دارند. استفاده از آنها و انطباق آنها با اهداف فردی تان به شما کمک خواهد کرد تا بندهای مؤثری را تدوین کنید.

وحدت

کل پاراگراف باید روی یک تمرکز واحدی تعلق داشته باشد. اگر یک بند با یک تمرکز یا نقطه عمده ای از بحث شروع شود، نباید با یک ایده دیگر ختم شود یا در بین چند ایده سرگردان باشد.

انسجام

انسجام صفتی است که بند را برای خواننده به سهولت قابل فهم می سازد. شما می توانید با ایجاد پل های منطقی یا کلامی به ایجاد انسجام در بند کمک کنید.

الف) پل های منطقی

- همان ایده یک موضوع از جمله‌ای به جمله دیگر منتقل شود.
- جملات متوالی به صورت موازی ساخته شوند.

(ب) پل‌های کلامی

- واژگان کلیدی می‌تواند در چند جمله تکرار شود.
- کلمات مترادف می‌تواند در چند جمله تکرار شود.
- ضمایر می‌توانند به اسم‌های موجود در جملات قبلی اشاره کنند.
- عبارات انتقالی می‌توانند برای پیوند ایده‌های جملات متفاوت، استفاده شوند.

جمله موضوعی

جمله موضوعی **topic sentence**، جمله‌ای است که به صورت کلی اشاره می‌کند که ایده یا تزی که بند با آن سر و کار خواهد داشت چیست. هر چند که تمام بندها جمله موضوعی روشنی ندارند، و با وجود این واقعیت که جمله موضوعی می‌تواند در هر جای بند (اولین جمله، آخرین جمله، جایی در وسط بند) بیاید یک راه آسان برای حصول اطمینان از اینکه خواننده شما موضوع بند را بفهمد این است که جمله موضوعی را در اوایل بند قرار دهید. برای نویسندگان کم‌تجربه این یک قاعده عمومی خوبی است، هر چند این تنها کاری نیست که باید انجام داد). صرف نظر از اینکه شما یک جمله موضوعی صریحی دارید یا نه، شما باید قادر باشید محتوای بند را به آسانی جمع‌بندی (خلاصه) کنید.

پاراگرافی که سازماندهی خوبی داشته باشد، سه بخش اصلی دارد :

۱. جمله موضوعی: سخن اصلی پاراگراف و مرکز توجه آن را بیان می‌کند.
۲. جمله‌های پشتیبان: با عرضه‌ی اطلاعات بیش‌تر و یا آوردن نمونه‌هایی، جمله موضوعی را شرح و گسترش می‌دهند.
۳. جمله نتیجه: مشخص می‌کند که پاراگراف به پایان رسیده و نکته مهمی را یادآور می‌شود که خواننده باید به خاطر داشته باشد.

اگر به ساختاری که توضیح داده شد، اندکی با دقت بیش‌تر نگاه کنیم، پی می‌بریم که یک پاراگراف نیز به یک مقاله کوتاه می‌ماند. جمله موضوعی را می‌توان در حکم مقدمه مقاله دانست که مشخص می‌کند نویسنده پیرامون چه موضوعی نوشته است. جمله‌های پشتیبان در حکم پیکره‌ی مقاله و جمله‌ی نتیجه مانند نتیجه‌گیری مقاله است. بنابراین، یک پاراگراف، یک مقاله‌ی چند خطی است و اگر همه این مقاله‌های کوچک به درستی نوشته

شوند، آن گاه نوشته ی نهایی نیز مقاله ی درستی خواهد بود. از این رو، در ادامه راهنمایی هایی برای نگارش پاراگراف های سازمان یافته می آید.

ویژگی های جمله ی موضوعی

جمله ی موضوع مهم ترین جمله ی پاراگراف است. این جمله به طور خلاصه می گوید که در آن پاراگراف پیرامون چه موضوعی بحث می شود. از این رو، جمله ی موضوع راهنمای خوبی برای نویسنده و خواننده است. نویسنده درمی یابد که چه اطلاعاتی را باید در جمله های پیرو بگنجانند و چه اطلاعاتی را نباید مطرح کند. خواننده نیز می داند که موضوع پاراگراف چیست و خودش را برای درک بهتر آن، آماده می کند.

پنج نکته ی مهم را درباره ی جمله ی موضوعی به یاد داشته باشیم:

۱. کامل و کوتاه است.

وسعت زبان هر قوم و قدرت تعبیر آن، نمودار غنای فرهنگ و عمق اندیشه ی آن مردم است. هر قدر فرهنگی مایه و رتر و ملتی از تفکر و اندیشه ورزی بهره مندتر باشد ناگزیر به زبانی پهناور نیازمندتر است تا بتواند آنچه را در ذهن دارد و نیز عوالم درونی خویش را بیان کند. بنابراین، اگر گفته شود زبان وسیله ی اندیشیدن است سخنی نابجا نیست. بدیهی است کسی که زبانش پریشان و نابسامان باشد، فکرش نیز پریشیده و ناستوار خواهد بود و برعکس .

۲. نه زیاد کلی و نه زیاد خاص است .

الف) فراگیری زبان انگلیسی بسیار سخت است. (بسیار کلی است)

ب) یکی از دشواری های فراگیری زبان انگلیسی به خاطر سپردن واژه های بیگانه است. (مناسب است)

پ) برخی از واژه های انگلیسی ریشه ی فارسی یا عربی دارند. (مناسب است)

ت) واژه ی Muskmelon از واژه musk برگرفته از واژه ی مُشک فارسی و melon واژه ای یونانی و به معنای میوه ی گرد و شبیه سیب گرفته شده است. (بسیار خاص است و بهتر است به عنوان یکی از جمله های پشتیبان بیاید).

۳. روشن است و ابهام ندارد .

عبارت هایی مانند جالب است ، خوب است یا بی نظیر است شاید متن شما را زیبا کنند، اما مبهم هستند. بهتر است زیبایی موضوع مورد نظر خود را به جای این واژه ها، با توصیف روشن و دقیق آن، به رخ خواننده بکشید .

۴. گاهی به صورت پرسشی بیان می شود .

اگر از شما بخواهند به یک فروشگاه زنجیره ای بروید تا مقداری هلوی تازه بخرید، در آن فروشگاه بزرگ چگونه آن را پیدا می کنید؟ شما می دانید که فروشگاه محله ی شما کالاهایش را دسته بندی کرده است . بنابراین، به بخش میوه و سبزی می روید و قفسه های میوه ها را پیدا می کنید. آن گاه باید به دنبال قفسه ی هلوها باشید. اگر فروشگاه میوه را کنار حبوبات و مقداری از آن ها را کنار گوشت ها بگذارد، پیدا کردن هلوها دشوارتر می شود .

۵. گاهی در جاهای دیگری از پاراگراف جای می گیرد .

آلبرت اینشتین، یکی از نابغه های جهان، در نخستین تلاش خود نتوانست از عهده ی آزمون ورودی دانشگاه برآید. ویلیام فاکنر، یکی از نویسندگان برجسته ی آمریکا چون نتوانست دوره ی زبان انگلیسی را با موفقیت به پایان برساند، از ادامه ی تحصیل بازماند. ادیسون، که بزرگ ترین مخترع همه ی دوران ها به شمار می آید، از مدرسه فرار کرد. این نمونه ها نشان می دهد که موفق نبودن در مدرسه همیشه به معنای موفق نبودن در زندگی نیست.

خصوصیات پاراگراف

۱. مقداری از متن است که فقط یک ایده ساده را بیان می کند.
۲. بهتر است اندازه اش بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه باشد. البته نمی توان اندازه مشخص و قطعی تعیین کرد.
۳. با یک یا دو جمله اصلی شروع می شود که در آنها ایده اصلی مطرح می شود. در نوشتن این جمله ها وارد جزئیات نمی شویم ولی حین نوشتن آنها، باید جزئیات نوشتار را در ذهن داشته باشیم. این جمله ها باید کاملا صحیح نوشته شوند (از جهات مختلف) و اساسا باید گزاره ای درست باشند؛ زیرا سایر جملات نوشتار چیزی جز بسط و شرح همین جمله ها نیست.
۴. بندها واحدهای اطلاعاتی هستند که در کم و کیف مناسبی اطلاعات را به خواننده منتقل می کنند.
۵. بین هر دو نوشتار پی در پی، باید ارتباط معنایی و انسجام مفهومی و ساختاری برقرار شود. این کار البته دقت و ظرافت خاصی لازم دارد.
۶. ایده ای که در یک نوشتار از یک متن علمی یا فنی مطرح و تشریح می شود، ممکن موارد زیادی باشد که برخی از آنها عبارت اند از:

- تعریف یک مفهوم، پدیده، روش یا مسئله
- رده بندی پدیده ها یا روش ها
- مقایسه پدیده ها، روش ها و ...
- تحلیل و بررسی یک پدیده و شرح آن

- ارائه مثال از یک پدیده و شرح آن
- ۷. هر نوشتار را می‌توان یک تصنیف در مقیاس کوچک دانست که به خودی خود، مثل هر تصنیفی، کامل است و در عین حال، حول یک ایده مشخص و واحد تولید می‌شود (وحدت موضوع دارد).
- ۸. جملات نوشتار توالی منطقی دارند (به ویژه در متون علمی و فنی). به این ویژگی، توالی می‌گوییم.
- ۹. نکات مهم با جملات بامعنی‌تر، صریح‌تر و با تأکید بیشتر نوشته می‌شوند. این ویژگی را تأکیدمندی می‌نامیم.

قواعد عمومی حاکم بر بندچینی

قاعده اصلی: هر ایده را برای یک بند نگه دارید.

یک قاعده اساسی که تا حدودی مبهم است در مورد بند این است که هر ایده را به یک بند اختصاص دهید. وقتی که شما در حال انتقال به یک ایده جدید هستید، باید آن را در بند جدید بیان کنید. راههای ساده‌ای وجود دارد تا بگویید که روی همان موضوع قبلی در حال ادامه دادن هستید یا به موضوع جدید مشغول هستید. شما در درون یک بند واحد می‌توانید یک ایده و چند قطعه از شواهد حمایت‌کننده داشته باشید. شما همچنین می‌توانید در یک بند واحد تا مادامی که به آن موضوع کلی بند، مرتبط است چند نکته داشته باشید. اگر نکات منفرد در یک بند، طولانی می‌شوند آنگاه شاید تفصیل هر یک از آنها و قرار دادن آنها در بند خاصی، مسیری باشد که باید بروید.

مواردی که بند جدید باید شروع کنیم:

- هنگامی که یک ایده یا نکته جدید را شروع می‌کنیم: ایده‌های جدید باید همیشه در بندهای جدید آغاز شوند. اگر شما یک ایده مفصل دارید که چند بند را در بر می‌گیرد، هر نکته جدید در آن ایده، باید در بند خودش بیاید.
- هنگامی که تباین اطلاعات یا ایده‌ها را بررسی می‌کنیم: بندهای جداگانه می‌توانند طرفهای مناقشه، نقاط مختلف در یک استدلال یا هر تفاوت دیگری را در مقابل هم قرار دهند و بررسی کنند.
- هنگامی که خوانندگان شما نیاز به یک وقفه و مکث داشته باشند: ایجاد وقفه در بندها به منزله یک استراحت کوتاه برای خوانندگان است. علاوه بر آن، این کار نوشتار شما را خواندنی‌تر می‌سازد. اگر بند خیلی طولانی می‌شود یا با بحث پیچیده‌ای سر و کار دارید استراحت ایجاد کنید (بند را عوض کنید).
- هنگامی که در حال پایان دادن به مقدمه یا شروع نتیجه هستید: بحث مقدماتی یا نتیجه‌گیری همیشه باید در یک بند جدید قرار گیرد. بسیاری از مقدمات و نتایج بر حسب محتوا، اندازه و اهداف نویسنده

چند بند مختلف را در بر می‌گیرند.

توسعه مطلوب

موضوع (چیزی که به وسیله جمله موضوعی معرفی می‌شود) باید کاملاً و به حد کفایت مورد بحث قرار گیرد. علاوه بر آن، این امر بر حسب هدف نویسنده از بندی به بند دیگر متفاوت می‌شود، اما نویسندگان باید نسبت به بندهایی که فقط دو یا سه جمله هستند مراقب باشند.

توسعه بندها عبارت است از به کارگیری تنوعی از الگوها که بیانگر اندیشه شما در باره ماده بحثی است. همین طور که جمله موضوعی و جملات حمایت کننده (الجمل الداعمه) را می‌نویسید در جست و جوی راههایی هستید که اندیشه شما را سازمان دهد. یک نویسنده بحث خود را از طریق روایت کردن یک سلسله وقایع پیش می‌برد، دیگری توصیف فیزیکی و سومی تحلیل موضوع را بر عهده می‌گیرد. این الگوهای توسعه بند، معمولاً در روند بازبینی پدیدار می‌شوند. در برخی از بندها ممکن است بیش از یک الگو استفاده شود.

الگوهای توسعه بند^۲

۱. پاراگراف طبقه بندی و تقسیم

توصیه هایی برای بند طبقه بندی (و تقسیم)

(نوشته شده توسط کلی هایدن [Kellie Hayden](#)، ویرایشگر: ترنت لورچر [Trent Lorcher](#)، ژوئن ۲۰۱۰)

موضوعی را انتخاب کنید، آن را دسته بندی کنید و آن را به دسته‌های کوچک تر ریز کنید و بنویسید. اینها توصیه‌هایی هستند که باید به یاد داشته باشید.

گام های طبقه بندی

۲ - در کتاب های دستور زبان فارسی و کتاب های نگارش و ویرایش با ساختار جمله در زبان فارسی آشنا می شویم، اما در بیش تر این آثار راهکارهایی برای چگونگی نگارش سطح های دیگر نوشتن، یعنی پس از جمله نویسی، دیده نمی شود. در بیش تر این آثار فقط چند سفارش درباره ی ساده نویسی و رعایت نظم منطقی جمله ها وجود دارد. بیش تر آن ها در تعریف پاراگراف، که نخستین سطح نگارشی پس از جمله است، فقط به این جمله بسنده کرده اند که چند جمله ی مرتبط با هم را پاراگراف یا بند می گویند. اما در کتاب های نگارش زبان انگلیسی چگونگی نگارش پاراگراف های سازمان یافته به صورت گام به گام و با آوردن نمونه های فراوان آموزش داده می شود. در این جزوه، از کتابهای آموزش نگارش انگلیسی تا حد زیادی استفاده شده است.

در صورتی از بند طبقه بندی استفاده کنید که بتوانید یک اندیشه یا موضوع وسیع را حد اقل در دو طبقه کوچک تر مرتب کنید مانند انواع ماهی. چیزهای زیادی برای طبقه بندی وجود دارند، مانند: ورزشها، خویشاوندان، فرقه ها، فیلمهای تلویزیونی، سایت های اجتماعی، سرگرمی ها، انواع سرامیک ضد پوسیدگی. طبقه بندی و تقسیم برای این است که از طریق ربط دادن اجزاء به کل، مواد (material) را بسط دهیم. در طبقه بندی با چیزها یا فرایندهایی مشابه سر و کار داریم که آنها را به دسته هایی گروه بندی می کنیم. شما می توانید ارگانیک ها، مکانیک ها، فرایندها را بر اساس شکل، حجم، تأثیرات و مانند آنها طبقه بندی کنید. در تقسیم، شما با خرد کردن یک موضوع به اجزای کوچک تر، آن را بسط می دهید. طبقه بندی یک شگرد و خط مشی کار معلمی و تدریس است. مطرح کردن طبقه ها و دسته های یک چیز، رویکرد مؤثری است که می توانیم منطقه یک موضوع را با روشن سازی گونه های اساسی آن شرح دهیم؛ مثلا انواع سرامیک های ضد پوسیدگی را در قالب چند گونه اساسی آن، به خوبی توضیح دهیم.

الف) روش طبقه بندی

وقتی که موضوعی را انتخاب کردید، باید روشی را ارائه دهید که بر اساس آن می خواهید آن موضوع را به دسته های کوچک تر تقسیم کنید. مثلا اگر موسیقی را انتخاب کردید باید تصمیم بگیرید که بر حسب کدام یک از اعتبارات یا جنبه های زیر می خواهید آن را مرتب کنید:

- افرادی که به موسیقی محلی گوش می دهند
- انواع موسیقی محلی
- نوازندگان زن
- نوازندگان مرد
- ایستگاههای رادیویی برای موسیقی محلی

ب) تقسیم موضوع به چند دسته

وقتی که روش انتخاب شد، سه دسته [مثلا]، به طور مجزا باید مطرح شوند. به همان مثال توجه کنید:

موضوع: موسیقی محلی

روش: انواع موسیقی محلی

سه دسته مجزا: بلوگراس، راک محلی و پاپ محلی.

ج) نگارش بند

وقتی که موضوع، روش و دسته ها مشخص شد، شما باید یک «جمله موضوعی» بنویسید. یک جمله موضوعی نمونه در باره همان مثال قبلی، این است:

امروزه، موسیقی مللی انواع زیادی دارد که می‌تواند از بلوکراس تا راک مللی سپس تا پاپ مللی در نوسان باشد. سپس باید روی بدنه بند (body of paragraph) کار کنید. در بدنه بند، برای هر دسته به مقدار متعادلی جمله‌های جزئی بیاورید. یک اندازه اساسی این است که برای توصیف هر دسته، دو جمله بیاورید. در پایان، باید یک جمله نتیجه‌گیرانه (concluding sentence) بیاورید تا بند را تمام کنید (آن را ببندید). بعد از اینکه پیش‌نویس، تکمیل شد، اثر خود را برای یک دوست یا خانواده مطرح کنید تا اشکالات مربوط به جریان اندیشه و قواعد نگارشی را واریسی کنید. سپس، نسخه نهایی را بنویسید.

۲. پاراگراف مثال آوردن

پاراگراف مثال‌دار را زمانی استفاده می‌کنیم که بخواهیم نمونه‌هایی را فراهم کنیم تا جمله موضوعی [حکم] را وضوح ببخشیم. در پاراگراف نکته اصلی به وسیله توضیح مثال‌دار پیش‌تیبانی و روشن شده است و از این طریق، جمله موضوعی حمایت شده است.

ویتامین‌ها و مواد معدنی را می‌توان برای غنی‌سازی یا تقویت غذاها می‌توانیم ویتامین‌ها و مواد معدنی را به آنها بیفزاییم؛ «غنی‌سازی» مربوط است به جایگزین کردن آن مقدار از مواد غذایی که در فرایند تولید از دست رفته است و «تقویت» مربوط است به افزودن مواد مغذی به غذاهایی که به طور طبیعی از برخی مواد مغذی برخوردار نیستند. نان و غلات معمولاً به وسیله بعضی از ویتامین‌های B و آهن «غنی‌سازی» می‌شوند. نمونه‌های معروف «تقویت» غذاها عبارت‌اند: از افزودن ویتامین D به شیر، ویتامین A به مارگارین یا کره نباتی، ویتامین C به آبمیوه‌ها، کلسیم به آب پرتقال و ید به نمک طعام.

۳. بند روایت، (حکایت یا نقل)

نقل و روایت در جایی استفاده می‌شود که بخواهیم یک دسته از وقایع را بیان کنیم تا به خواننده بگوییم که چه اتفاق افتاده است. نقل، از یک الگوی زمانمند در بسط مطلب پیروی می‌کند. این الگوی توسعه برای بند، تا جایی قابل قبول است که حکایت‌گر یک داستان منسجم باشد. این الگو یا خط زمانی معمولاً خیلی آسان فهمیده می‌شود. توجه داشته باشید که عبارات انتقالی transitional words مانند از آن به بعد، ابتدا، سپس و بعد از آن در این الگو به کار می‌رود. مانند داستان پیدایش و تحول و تکامل کربن.

چند نکته دیگر در باره بندروایی

- به طور طبیعی به ترتیب زمانی پیش می‌رود (هر چند گاهی پس‌نگاه یا بازگشت به گذشته یعنی flashback دارد).
- ارائه تسلسل‌وار حوادثی که به داستان افزوده می‌شوند.

- یک روایت، صرف لیست کردن حوادث نیست. روایت معمولاً شامل شخصیت‌ها، صحنه، نقطه اوج، تعارض و راه حل است. زمان و مکان و شخص به طور طبیعی در کنار هم قرار می‌گیرند.
- جزئیات مشخص، همیشه به داستان کمک می‌کند و زبان شرح و تفسیری چنین عمل می‌کند.
- شما نباید فقط کلمات را روی کاغذ قرار دهید؛ شما کلمات را در جهت یک داستان مورد استفاده قرار می‌دهی.
- داستان به منزله یک حکایت افتتاح‌گر است که موضوع داستان را روشن می‌سازند.

۴. بند فرایندی

در تدوین بند، در صورتی از فرایند استفاده می‌کنیم که بخواهیم یک زنجیره را توضیح دهیم تا چگونگی انجام یک عمل یا چگونگی کارکرد چیزی توصیف شود. فعلهای فرآیندی مانند «کشف و یافتن، نمونه گرفتن و آزمایش کردن، محاسبه کردن، فراهم آمدن» در این الگو متمرکز هستند. در تحلیل فرایند، کار اصلی تمرکز روی قالب how to است.

توضیحاتی در باره تحلیل فرایند:

۱. در توصیف چگونگی رخ دادن یک فرایند یا چگونگی انجام یک زنجیره از کارها همیشه در باره خواننده خود فکر کنید: آیا او می‌تواند از این مراحل پیروی کند؟
۲. فرایند را به زنجیره‌ای از گام‌ها تجزیه کنید. گام‌ها را به صورت پی در پی تنظیم کنید.
۳. در هنگام نوشتن، گام‌ها را از هم تفکیک کنید و از شماره یا مهره (بولت) استفاده کنید و آنها را در سطرهای جداگانه قرار دهید.
۴. از ممکن است گام‌ها را در قالب نمودار مناسب قرار دهید: افراد غالباً نمودارها را راحت‌تر از یک لیست گام‌ها می‌خوانند.
۵. همیشه از یک فرد بیگانه بخواهید که تحلیل فرایند شما را بخواند تا ببینید که آیا قابل اجرا است. وقتی که شما به موضوع نزدیک هستید، مشکل است بفهمید که چیزی را از قلم انداخته‌اید.

۵. بند توصیفی

با استفاده از نثر توصیفی می‌توانیم یک تصویر فیزیکی یا یک نگاه کارکردی از یک موضوع فراهم کنیم. توصیف فیزیکی از طریق تشخیص و معرفی شکل، مواد، جایگاه و کارکردهای موضوع خود تصویری برای ما فراهم می‌کند. این نثر غالباً به منزله یک ماده خامی است برای صورتهای روشن تری از نثر تحلیلی.

توضیحاتی در باره بند توصیفی

۱. توصیف، همان چیزی نیست که شما دیدید، بلکه آن چیزی است که خواننده برای تخیل کردن صحنه، شخص و شیء نیاز دارد ببیند.
۲. توصیف مستلزم آن است که شما سلسله‌ای از مشاهدات جزئی را ثبت کنید. به ویژه سعی کنید مشاهدات را واقعی **real** بسازید. موفقیت یک توصیف، در تفاوت بین آنچه یک خواننده می‌تواند تصور کند و آنچه شما عملاً می‌بینید و ثبت می‌کنید نهفته است. جرقه درگیر شدن ذهن از همین جا نشأت می‌گیرد.
۳. از زبان حسی استفاده کنید. بروید سراغ صفت‌ها و قیدها. در جست و جوی راههایی باشید که عمل را توصیف کنید. به صدا و ریتم کلمات توجه ویژه‌ای داشته باشید.
۴. فضا و چارچوب اطراف شیء را طوری توصیف کنید که خوانندگان شما بتوانند تخیل خود را در قالب آن چارچوب بریزد و آن را «ببیند» - حتی اگر هرگز نشان داده نشود. به تصویر بکشید. مجسم کنید.
۵. مشکل کلیدی در توصیف اجتناب از استاتیک و یکنواختی [خسته کننده] است. یک خط مشی انتخاب کنید که توصیف شما را به یک داستان کوچک تبدیل کند: از دور به نزدیک، از راست به چپ، از قدیمی به نو حرکت کنید. به توصیف‌تان یک جریان و سیر طبیعی ببخشید. توصیف را یک روایت کوچکی تلقی کنید که در آن خصوصیات دیداری در یک نظام طبیعی، جالب و دراماتیک آشکار می‌شود. به آن قطعات بیندیشید که در آن نظام، خواننده برای استخراج یک صحنه به آنها نیاز دارد. سعی کنید توصیف را به یک الهام دراماتیک تبدیل کنید، مانند اینکه یک هنرمندی مشاهده شود که لباس پوشیده است و شما نمی‌توانید سر در بیاورید که آن لباس چه معنا می‌دهد تا اینکه بسیاری از اجزای آن [فیلم] در جای خود قرار گیرند.
۶. هیچ‌گاه خواننده خودتان را اذیت و دست‌اندازی نکنید یا پنهان و مضایقه نکنید نسبت به جزئیات توصیف‌گرانه، مگر به دلائل قوی که طبیعت نوشتار شما اقتضاء می‌کند. بگسترانید [بسط دهید]. فاش و آفتابی کنید به همان حالت سخاوتمندی که جهان، نشانه‌ها را برملا می‌کند. بگذارید، واقعیت به همان شفافیت دیداری در نوشتار شما نشان داده شود.
۷. مشکل شناختی در توصیف، ساده است: مردم کل واقعیت را یکجا می‌بینند. اما در نوشتار، آنها پی در پی به صورت یک جزء در یک زمان، به صورت یک زنجیره‌ای از اجزاء پیش می‌روند. قطعاتی را انتخاب کنید که یکی پس از دیگری به هم اضافه می‌شوند. تصور کنید: خواننده ابتدا این قطعه را می‌خواند، سپس آن قطعه را و اکنون این قطعه را؛ بعد از این چه قطعه را باید بخواند؟

۸. به خاطر داشته باشید که شما هیچ گاه چیزی را فقط توصیف نمی کنید: توصیف همیشه قسمتی از یک معنی وسیع تر است. توصیف را برای ساختن معنی خود استفاده کنید یا داستان خود را به پیش ببرید.

۶. بند مقایسه و فرق گذاری

هر گاه بخواهیم یک موضوع را از طریق بررسی وجوه تشابه و تفارق آن با چیز، فرایند یا حالت دیگر پرورش دهیم از الگوی مقایسه و فرق گذاری استفاده می کنیم. مقایسه، بر شباهتها تأکید می کند و فرق گذاری بر تفاوتها. ممکن است در یک بند از هر دو استفاده کنیم. مثلاً دو نوع کابل را به منظور برتری دادن عملکرد کابل الف بر کابل ب.

نکاتی در باره روش مقایسه

۱. برای نوشتن، یک بند مقایسه‌ای راهکارهای فنی وجود دارد که اگر از آن پیروی کنید، مفید خواهد بود.
۲. قبل از نوشتن، مقایسه یک نمودار یا طرحی بریزید و آن را کامل کنید تا مشخص شود که تمام عناصر لازم در نظر گرفته‌اید. به عبارت دیگر، در قالب یک جدول، جنبه‌ها و حالات و زوایا و معیارهای مختلفی که در دو چیز مورد مقایسه قرار است در نظر گرفته شود را لیست کنید. در غیر این صورت، در عمل مقایسه شکافی به وجود بیاید.
۳. در ستونها و ردیف‌های جدول، آن دو چیز مورد نظر را توصیف کنید و بر اساس آن بند را بنویسید.

۷. بند علت و معلولی cause and effect

از علت و معلول در بندها، در صورتی استفاده می شود که مسیر پرورش دادن یک موقعیت یا واقعه را در اثر یک چیز دیگر در پیش می گیریم. علت و معلول یک شیوه تحلیلی برای بسط پاراگراف است که تلاش می کند نشان دهد چگونه بین حوادث تأثیر و تأثر یعنی پیوند علیت وجود دارد.

۸. احصاء و بررسی جزئیات و فهرست کردن enumeration

زمانی از احصاء استفاده می کنیم که بخواهیم مورد به مورد یک سلسله از موضوعات یا یک سلسله از یک نوع را ذکر کنیم یا لیست کنیم. احصاء یک روش مستحکمی است برای برقرار کردن یک سلسله از مشاهدات و تأکید بر هر عنصر.

۹. تفسیر Exposition

- تفسیر یک نوشتار توضیحی است.
- تفسیر ممکن است قسمت فرعی یک توصیف یا روایت باشد و یا قلب یک مقاله شود.
- علاوه بر روشن سازی، مشکل کلیدی مربوط به تفسیر، معتبر بودن آن است. چه چیزی تفسیر شما را قابل باور می سازد؟ نویسندگان این مشکل را با ذکر مراجع مقبول الاعتبار یا ادله خوب برای کارشناسان در آن موضوع، حل می کنند.
- این بند، به منزله توجیه کننده یا هسته مقاله کوچک عمل می کند: بندی که بعد از یک بازکردن غیرمستقیم، موضوع مقاله را مشخص می کند که چرا آن مهم است و چه چیزی قرار است پیش بیاید.

۱۰. Definition تعریف

«پارک» را فلوریدا نمی توان تعریف کرد؛ زیرا انواع بسیاری از پارک وجود دارد. در واقع، پارک یک مکانی است برای تفریح در فضای آزاد، شنا، پیک نیک، پیاده روی، چادر زدن، پیاده روی سگ، تنیس بازی، قایقرانی، و در بعضی جاها سواری قطارهای کوچک و مانند آنها. فلوریدا، گونه های غنی از پارک ها دارد، از سالن های تفریحی گرفته تا بیابان های غیرقابل نفوذ. به هر حال، آنچه که «پارک» نامیده می شود، در انواع مختلفی وجود دارد.

توضیحاتی در باره تعریف

هیچ گاه چیزی را بر طبق فرهنگ لغت مثلا وبستر تعریف نکنید. معنا در جهان یافت می شود، نه در فرهنگ لغت. جهان را در داستانت بیاورید و در تعریف اصطلاحات، از آن کمک بگیرید. بیان اینکه فلان شیء چه چیزی نیست، به خواننده کمک می کند، اما تلاش زیادی کنید بیان کنید که آن چیز، چیست.

۱۱. بند اقناعی یا ترغیب persuasion

- این بند، معمولا در آغاز برخی نوشته ها و ستون ها می آید و از یک رویکرد مستقیم برای تشویق و ترغیب استفاده می کند و افراد را به تغییر افکار یا انجام عمل تحریک می کند.
- این بند اقناعی، در پایان مقاله نیز می تواند بیاید و به منزله پایان مقاله است. این بند حس کفایت و ختم کار را به ارمغان می آورد و در قالب « OK »، پس بلند شو و دست به کار شو» عمل می کند.
- شما باید افراد را مجهز کنید به اطلاعات، تحلیل و فضایی که آن نیاز دارند تا رأی خود را شکل دهند و حکم کنند و کار را شروع کنند.

- به خاطر داشته باشید: خوانندگان فقط به یک نظر متمایل هستند و آن همان نظر خودشان است. اگر شما بتوانید به آنها کمک کنید تا آن نظر و رأی خودشان را ضابطه‌مند و عمیق سازند، آنها از خواندن مقاله شما خوشحال خواهند شد.

۱۲. قیاس یا تشبیه analogy

قیاس یا تشبیه^۳ نوع خاصی از مقایسه comparison است. موادی مقایسه شده، معمولا چیزهایی هستند که شخص در بسیاری از جهات آنها را کاملا برخلاف هم تصور می‌کند؛ مانند موتور خودرو و بدن انسان، باغ و کالج، خانه و کتاب. تشبیه غالبا نقطه به نقطه و در یک طول مناسبی پیش می‌رود.

نکاتی عمومی و مشترک در باره بندچینی^۴

۱. **ترکیب چند الگو در یک بند:** در اغلب نوشته‌ها، این الگوها در یک ترکیب طبیعی و به هم آمیخته می‌آیند، به عنوان مثال روایت اغلب توصیف را در بر می‌گیرد. وقتی به صورت عمدی فقط در یکی از الگوهای تعریف شده، خود را محدود می‌کنیم، نتیجه کار تا حدودی ساختگی از آب در می‌آید.

۲. ارتباط بین بندها (راهنما و انتقال دهنده)

دو عنصر بسیار مهم در بندچینی راهنما و انتقال دهنده است. راهنماها کمک‌های داخلی هستند که خوانندگان را کمک می‌کنند. راهنماها معمولا مرکب‌اند از چند جمله که رئوس مطالبی که مقاله پوشش داده است یا هدف مقاله را بیان می‌کنند.

انتقال دهنده‌ها معمولا یک یا چند جمله هستند که «انتقال» از یک ایده به بعدی را فراهم می‌کنند. انتقال‌دهنده‌ها می‌توانند در پایان بیشتر بندها استفاده شوند تا جریان پاراگراف‌ها را از یکی به دیگری تسهیل کنند.

۳. برخی از روشهایی که مطمئن می‌شوید پاراگراف شما خوب توسعه یافته است:

- استفاده از مثالها و تصاویر
- استناد داده‌ها (حقایق، آمارها، ادله، جزئیات و غیره)
- بررسی گواهی‌ها (آنچه دیگران می‌گویند مانند نقل قول‌ها و تفسیرها)

^۳ -راهنمای مختصر برای نویسندگان (ویرایش سوم) توسط Glorfeld لوئیس ، دیوید Lauerman و نورمن Stageberg گزیده ای بود. نیویورک: هولت ، Rinehart و وینستون ، شرکت ، ۱۹۶۳ ، ۱۹۷۴ ، صفحات ۱۳۴-۱۳۵ .

^۴ <http://www.longleaf.net/ggrow/modes.html> -

- استفاده از یک حکایت یا داستان
- تعریف اصطلاحات وارد شده در بند
- مقایسه و بیان فرقهها
- ارزیابی علل و ادله
- بررسی تأثیرات و پیامدها
- تجزیه و تحلیل موضوع
- توصیف موضوع
- ارائه گاهشماری یک واقعه (در قطعات زمانی)

فهرست برخی از الگوهای مهم برای توسعه پاراگراف

1. Analogy
2. Analysis process
3. Cause and effect
4. Classification and division
5. Combined method
6. Comparison and contrast
7. Definition
8. Details
9. Elimination
10. Enumeration
11. Exemplification
12. Illustration
13. Narration
14. Question and answer
15. Repetition

منابع و مآخذ

<http://vista.ir/content/114261>

منبع جزیره دانش

گیگاپارس www.forum.gigapars.com